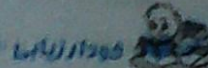


صفحه ۳۴ کتاب درسی



۱- مفهوم سخن را با ذکر دو مثال توضیح دهید.

که پاسخ منظور از متن «آثار شعر و نثر فارسی» است.

شعر: هرمان خوشدلی در یاب و در یاب

غریمت نان و می خور در گلستان

که دایم در صدف گوهر نباشد

که گل تا هفته دیگر نباشد

نثر: هست خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش، مزید نعمت

۲- درباره پیشینه واژه «ادب» به اختصار بنویسید.

که پاسخ «ادب» به تعبیر گذشتگان «شناختن اموری است که فرد از طریق آن، خود را از هر خطایی حفظ

کند و پسر به «دانش‌هایی که انسان خود را با آن از خطا در سخن مصون دارد» اطلاق شد و «ادب» فردی را

می‌گویند که با شیوه‌های گوناگون سخن آشنا باشد.

۳- نمودار زیر را، با توجه به آموزه‌های درس، کامل کنید.



که پاسخ

رشته علوم انسانی

۴- به نظر شما، متن زیر، می‌تواند نمونه و مصداق مناسبی برای این مفهوم از ادبیات «ادبیات هنر کلامی است» در مین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بد افشان فرو بیجد. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید گل هم چون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.

پاسخ: بله، زیرا در متن «کاربرد هنری زبان» دیده می‌شود. نویسنده با بهره‌گیری از کلمات و تعبیرهای مناسب و آرایه‌های ادبی مانند تشخیص و کنایه و بهره‌گیری از احساس و عاطفه، مثنی ادبی آفریده است.

۵- با توجه به عبارت زیر، دو متن (الف و ب) را بررسی کنید.

هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی آفرینی.

الف) ماه، یکی از سیارات منظومه شمسی است. اگر چه خود تیره و بی‌نور است اما در شب، نورانی است. بهمه تازیک آسمان در ظلمت شب به نور ستارگان و تلالو ماه روشن می‌شود.

ب) شب آغاز شده است. در ده چراغ نیست شبها به مهتاب روشن است و با به قطره‌های درشت و تابناک باران ستاره، مصایح آسمان.

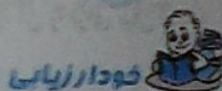
شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم، از دستش داده‌ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌بازد.

پاسخ: در متن «الف» هدف نویسنده ارتباط و اطلاع‌رسانی است و هر واژه معنای روشن و قراردادی دارد.

در متن «ب» نویسنده با بهره‌گیری از شگردهای هنری چون تشبیه و استعاره و کنایه، و به کارگیری احساس و عاطفه، نوشته‌ای هنری خلق کرده است تا بلیغ و رسا بنویسد و نوشته را خوشایند و زیبا بنماید.

دانش و طبقه بندی آثار

صفحه ۶۰ کتاب درسی



۱- یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

پاسخ: این است که متن از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری بررسی شود.

۲- با توجه به قلمرو زبانی و سطوح آن، نوشته زیر را بررسی نمایید.

«سطوره، در لغت به معنی افسانه و قصه است و در اصطلاح به قصه‌ای اطلاق می‌شود که ظاهراً منشأ تاریخی نامعلومی دارد. مضمون اساطیر، معمولاً آفرینش انسان، خلقت جهان، جنگ‌ها و نبردهای اقوام، سرگذشت خدایان، قهرمانان دینی و... است. زال، اسکندر، رستم، سیمرغ، رخش و... از اساطیر ایرانی هستند.»

(علامت‌سین بوسی)

پاسخ: زبان این نوشته ساده و قابل فهم است، واژه‌های انتخابی ساده هستند و آرایه ادبی ندارد.

۲- سروده زیر را از نظر سطح و موسیقایی و تناسب‌های آوایی (واج‌آرایی، تکرار و جناس) بررسی کنید.

باد خنک از جانب خوارزم وزان است
گویی به مثل، پسرهن رنگ‌رزان است
خیزید و خز آید که هنگام خزان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است

کندر چمن و باغ نه گل مانند و نه گلزار
نه هیچ بیارامد و نه هیچ بیاید
چندان که به گلزار ندیده است و سمن زار

دهقان به تعجب سر انگشت گزان است
دهقان به سحر گاهان گز خانه بیاید
گل بیند چندان و سمن بیند چندان

توضیح:

که پاسخ وجود آرایه‌های لفظی واج‌آرایی در بیت اول (صامت «خ»، «ز»، «م» مصوت «ا») و در بیت دوم (صامت «ر» تکرار (رزان، گل، چندان)، جناس ناقصان (خران، وزان، رزان، گزان). این شعر در قالب مستط سزیده شده و استفاده از قافیه و ردیف‌های مناسب (مخصوصاً در بخش نخست) بر سطح موسیقایی آن افزوده است.

۴- با توجه به سطح بیانی (قلمرو ادبی) متن زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های تشخیص، تشبیه و کنایه تحلیل نماید صبح است، آفتاب مثل تشتی از طلای گداخته بر گوشه جهان گذاشته شده، فلک نقاش می‌خواهد عالم را طلایی کند تا هنوز دست به کار نشده، اول با گرد نقره‌ای و لاجوردی بوم آسمان را رنگ می‌ریزد، زمین مانند روپوشی از مخمل سر است، آتیه درختان در هر گوشه سر به هم آورده‌اند و هنوز اسرار شب را در میان دارند.

توضیح:

که پاسخ تشبیه آفتاب به تشتی از طلای گداخته و فلک به نقاش شده همچنین آسمان به بوم و زمین روپوش، فلک درختان و شب تشخیص دارند؛ طلایی کردن عالم کنایه از روشن کردن جهان و سر به هم آوردن کتاب از آتیه است.

۵- نوشته زیر، با کدام بخش از متن درس، ارتباط دارد؟ توضیح دهید.

مصالح کار شاعر در آفرینش شعر، واژه‌هاست و دارای دو بعد: لفظ و معنا. از این نظر، شاعری با نقاشی و بیکر تراشی و موسیقی متفاوت است. شاعر در عین حال که دست به آفرینش زیبایی می‌زند، می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد و بیامی را ابلاغ کند. حال آنکه موسیقی‌دان و نقاش و مجسمه‌ساز به سبب یک تعنی بودن مواد کارشان (صدا، رنگ و سنگ) نمی‌توانند چنین رسالتی داشته باشند.

که پاسخ با قلمرو فکری کلمه‌ها و جمله‌ها، مصالح و ابزاری هستند که نویسنده یا صاحب هر اثر، آن را برای بیان تعنی و فکر خود به کار می‌گیرد.

۶- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.
آب را گل نکنیم:

در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب

یا که در بیشه دور، سیره‌ای پیر می‌شوید

یا در آبادی، کوزه‌ای پیر می‌گردد.

آب را گل نکنیم:

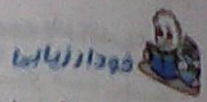
شاید این آب روان، می‌رود پای سبیداری، تا فرو شوید اندوه دلی؛ دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب...

(سهراب سپهری)

که پاسخ آب در این شعر نماد زندگی و پاکی است و گل کردن آب یعنی نابود کردن آن. شاعر انسان را به داشتن یک بینش جهانی و آرمانی دعوت می‌کند و از او می‌خواهد که زندگی را برای همه انسان‌ها و موجودات بخواند و به نابودی و آلوده کردن آن دست نزند. طبیعت و زندگی را دوست داشته باشد، به آن احترام بگذارد و آن را سهم همه بداند. این شعر بیانگر جنبه‌های فکری ذهنی و عرفانی است.

کالبد شکافی متن (شعر)

درس نهم



سؤال ۲۷ کتابه درسی

۱- در خوانش دقیق شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟
لهنگی بچه خود را چه خوش گشت:
به موج آویز و از ساحل بهره‌یز

به دین ما حرام آمد کرانه
همه دریاست ما را آشیانه

(مهمان ناخوانی)

پاسخ: دو بیت لحن «روایی - داستانی» دارد و باید پیوسته و یکباره خوانده شود تا ارتباط طولی و فهم مطالب آسان صورت گیرد.

۲- متن زیر را بخوانید و درباره لحن و نحوه خوانش آن توضیح دهید.

| | |
|---|--------------------------------------|
| آب زیند راه را همین که نگار می‌رسد | سزده دهید باغ را بسوی بهار می‌رسد |
| راه دهید یار را آن سه ده چهار را | کز زخ سوریخش او نور نثار می‌رسد |
| چاک شده است آسمان، غلغله‌ای است در جهان | عنبر و مشک می‌دمد، سنجق یار می‌رسد |
| رواق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد | غم به کنار می‌رود، مه به کنار می‌رسد |

(مهمانی)

پاسخ: این شعر در قالب غزل است و باید با لحن شاد و شورانگیز و با هیجان خوانده شود تا لحن خوشحال کنده آن به شنونده منتقل شود.

۲- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی، کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات نظیر را شناسایی کنید.

| | |
|--|--------------------------------------|
| هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدهش | خاطری فارغ ز عالم چون تو گل بایدهش |
| خرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست | جبهه‌وا کرده‌ای پیوسته چون گل بایدهش |
| هر که می‌خواهد که از سنجیده گفتاران شود | بر زبان، بند گرانسی از تأمل بایدهش |
| صبر بر جور فلک کن تا بر آبی روسفید | دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش |
| قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن | از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش |

(مهمان تهریزی)

پاسخ بیت اول: خندان بودن گل، تشخیص و کنایه، «گل و گلشن» مراعات نظیر

بیت دوم: جبهه‌وا کردن، کنایه از شاد بودن و «چون گل» تشبیه

بیت سوم: تأمل و اندیشه به بند گران تشبیه شده است.

بیت چهارم: روسفید برآمدن، کنایه از خوب برآمدن از عهده کاری، در مصراع دوم «تمثیل» نیز دیده می‌شود و

بیت پنجم: مراعات نظیر برقرار است.

بیت پنجم: تشخیص در «قطره آب» و کنایه (برای رسیدن به کمال فروتنی لازم است).



۱- با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همه دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار. پنداشت خوابگزاری را بخواند و پرسید که: تعبیر این خواب چیست؟
 ضمیر گفت: زندگانی امیر، دراز باد، همه اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.
 خلیفه گفت: این مرد را صد چوب بزبید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟ چه اگر همه اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟
 خوابگزاری دیگر بیاوردند همین خواب با وی بگفت.
 خوابگزار گفت: بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی تراز همه اقربای خویش بود.
 خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است این مرد را صد دینار بدهید.

الف) دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

که پاسخ کرده استوری «هی» به جای «می» در فعل (پنداشتی می‌پنداشت) آوردن «ه» در ابتدای فعل ماضی (خوالت)، آوردن حرف اضافه «در» به جای «در» جمله‌های این نوشته کوتاه ساده و قلیل فهم است.
 ب) چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد؟

که پاسخ تفاوت در شیوه گفتار خوابگزار دوم، زیرا او با درک موقعیت مخاطب (پادشاه) و رعایت اصل بلاغت کلام، همان تعبیر را با بیانی دلنشین و مؤدبانه بازگو می‌نماید.
 ۲- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.
 «روزی شخصی پیش بهلول، بی‌ادبی نمود.

بهلول او را علامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟
 او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.
 گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است.»

که پاسخ قلمرو ادبی، شبکه معنایی میان «آب، گل، سرشتن» تضاد میان دو واژه «آب و گل» بهره‌گیری از تمثیل «آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است» برای بیان مفهوم بی‌بهره بودن از تربیت صحیح قلمرو فکری در این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی، برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود (تربیت صحیح) و با استفاده از چاشنی طنز، بر این نکته تأکید می‌نماید که خداوند اصل انسان را نیکو سرشته است ولی باید تحت پرورش و تربیت قرار گیرد.



۱- شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

در کتاب آمد که در عهد قدیم
چون به پایان بُرد کار آن سرا
جمله گفتند: این بنای مختصر
چون توانی زیستن در این قفس؟
بهر مردی چون تو والا و حکیم
در شبستان تو چون آیم جمع
گفت در پاسخ: که ما را باک نیست
خجسته خود گر بدین سان ساختیم
بیش از این گر یار یکدل داشتیم
در حقیقت یار یکدل، کیمیاست

خاله‌های می‌ساخت سقراط حکیم
آمدند از ره رفیق و آشنا
نیست در خورده تو، ای صاحب نظر
این قفس نبود مقام چون تو کس
بارگاهی باید و گاهی عظیم
همچو پروانه به گرد روی شمع؟
عارفان را خاله آساک نیست
خاله‌ای در خورده یاران ساختیم
بام خود تا عرش می‌افراشتم
چون صدف، کیمیا و چون ذره، پیر بهاست

(نثر: سعیدی، شعر فارسی، منتخب، به (۱۳۹۰-۱۳۹۱))

کج پاسخ

| موضوع | شرح و توضیح |
|-------------|---|
| نوع لحن | روایی - داستانی با آهنگ نرم و کشش آوایی همراه است. لحن باید میل و علاقه شونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با انتظار در ذهن پدید آورد. |
| قلمرو زبانی | سادگی و کوتاهی جملات، سادگی زبان شعر، کمی واژگان غیر فارسی. |
| قلمرو ادبی | قالب شعر مثنوی است و در آن از آرایه‌های لفظی مانند جناس (شمع و جمع، پاک و خاک)، استعاره (قفس استعاره از بنای مختصر)، تشبیه (یاران به پروانه و یار یکدل به صدف و ذره) و مراعات نظیر (صدف و ذره، شمع و پروانه) استفاده شده است. |
| قلمرو فکری | سخنان سقراط، بیانگر عدم دلستگی عارفان به دنیا و مادیات و ارزش والا یار یکدل است. |
| نتیجه‌گیری | عارفان به دنیا و مادیات آن دلستگی و وابستگی ندارند یار یکدل کیمیا و بسیار ارزشمند است. |
| و تعیین نوع | نوع تعلیمی - اندرزی |

۲- حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.

پارسا زاده‌ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.
باری به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن،

سلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن

اگر یاران به کوهستان نبارد

عقل و ادب، پیش گیر و لهو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی ببری و پشیمانی خوری.



پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت: پرو شادی کن ای یار دل‌افروز
 بدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند! روی از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

گر چه دانی که نشوند، بگویی
 زود باشد که خیره‌سوز، بی‌بسی
 دست بر دست می‌زند که در بیخ
 هر چه دانی ز لیک خواهی و پسند
 به دو پای او فکاده، اندر پسند
 نشنیدم حدیث دانی‌شنند

که پاسخ

| شعر و نثر | تفسیر و تلمیح | نقد و تفسیر |
|--|---|---|
| کوتهای جملات | بهره‌گیری از سجع، تضاد میان واژگان «شادی و غم»، «دخول و خروج» | خروج بیش از دخول سبب پشیمانی است. |
| کاربرد «را» به معنی «برای» (ملم کسی را باشد) | بهره‌گیری از تلمیح اگر باران به کوهستان نیارد/ به سالی دجله گردد خشک رودی استفاده از مراعات نظیر آب و اسباب | نسبت به دیگران خیر چه بشیم |
| استفاده از واژه‌های کهن (ملاح) | بهره‌گیری از کنایه دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند (کنایه از اثر نکردن سخن) | افرادی که نصیحت پذیر نیستند گرفتار و پشیمان می‌شوند |

فصل ۲

تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

(بان و ادبیات پیش از اسلام)

دین پنجم



صفحه ۹۳ کتاب درسی

- ۱- سیر گسترش و تکامل زبان فارسی را شرح دهید.
 که پاسخ زبان ایرانیان پیش از اسلام، که ریشه و مادر زبان امروز ایران است، پارسی یا فارسی نامیده می‌شد. در ایران پیش از اسلام، آثار فرهنگی - ادبی قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده است. زبان‌هایی که در ایران و مناطق هم‌جوار آن، متداول بوده، ویژگی‌های مشترکی دارند که به مجموعه آن‌ها «گروه زبان‌های ایرانی» می‌گویند.
- ۲- چرا به زبان فارسی نو، «فارسی دری» هم گفته می‌شود؟
 که پاسخ پس از ساسانیان، طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند. ادبیات فارسی دری هم به مفهوم واقعی خود، تقریباً هم‌زمان با این دولت پدید آمد. «دری» زبان درباری ساسانیان و زبان محاوره و مکاتبات مقامات دولتی بوده است. (دری منسوب به «در» دربار است)

۲- نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.



بر پاسخ



شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی

درس ششم

صفحه ۴۵ کتاب درسی



- عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی را بنویسید.
- پاسخ الف) اعلام شدن زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور توسط یعقوب لیث صفاری در قرن سوم؛
ب) روی کار آمدن دولت سامانی و احیای رسم‌ها و سنت‌های فرهنگی قدیم ایران توسط آن‌ها و حمایت پادشاهان سامانی از دانشمندان، فقها، ادبا و مترجمان در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم.
پ) بعد از سامانیان، غزنویان نیز برای ماندگاری حکومت نوپای خود ناگزیر شدند زبان پارسی را رواج دهند.
- مهم‌ترین کتاب‌های نثر این دوره کدام‌اند و چه تأثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند؟
- پاسخ شاهنامه ابومنصوری، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی. تألیف این کتاب‌ها سبب شد در عهد سلطنتی، نثر هم مانند شعر پارسی، رواج و رونق یابد و کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون به زبان دری پدید آید.

۳- درباره مضامین شعری این دوره توضیح دهید.
 که پاسخ: رایج‌ترین انواع شعر در این دوره حماسی، مدحی و غنایی بود، شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) نیز در این دوره به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید، داستان‌سرایی و قصه‌پردازی نیز در این دوره آغاز گشته

۴- قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره، روی نقشه نشان دهید.



که پاسخ: در این دوره شعر و نثر فارسی بیشتر در شمال شرق ایران و در محدوده قلمرو سامانیان گسترش یافته بود.

سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک فراسانی)

درس هشتم



شود؟ زبانی

صفحه ۱۱۱ کتاب درسی

۱- با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

نیسود دندان، لابل چراغ تابان بود
 چه نحس بودا همانا که نحس کیوان بود
 چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود
 دلیم نشاط و طرب را فراخ میدان بود
 بدان زمانه ندیدی که این چشمتان بود
 سرودگویان، گویی هزارستان بود
 شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود
 عصا بیار، که وقت عصا و اتیان بود

عرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
 یکی نمائد کنون زان همه، بسود و بریخت
 نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز
 همیشه شاد و نداشتی که، غم چه بود؟
 تو رودکی را - ای ماهرو! - کنون بینی
 بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی
 شد آن زمانه که شعرش همه جهان نوشت
 کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم

الف) دو ویژگی ادبی بیت دوم را بنویسید.

ب) ویژگی‌های زبانی این شعر چیست؟

که پاسخ: الف) آریه‌های واج‌آرایی (صلت «ن») و واژه‌آرایی (تکرار واژه «نحس»)

ب) سادگی زبان شعر، کم بودن واژگان عربی، استفاده از واژه‌های کهنه و مهجور (سود، اتیان)

توسیفات

۲- متن زیر مربوط به کدام دوره نثر است؟ دو مورد از ویژگی‌های نثر این دوره را بنویسید.
 چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب پرانم. بیستم صفر سنه ۴۴۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند. و در تبریز «قطران» نام شاعری را دیدم. شعری نیک می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد دیوان تنجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من پرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.

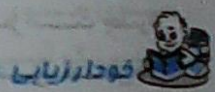
پاسخ: نثر دوره غزنوی و سلجوقی است. **ویژگی‌ها:** توسیفات جزئی و فراوان کوتاه جمله، آوردن «ه» در آغاز فعل (بیاورد، بخواند، پرسید، بنوشت)، کاربرد «ه» به معنی «در» (چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم).
 ۲- دو مورد از ویژگی‌های نثر زیر را بنویسید.

به روزگار خسرو، اندر وقت بودر جمهر، رسولی آمد از روم، خسرو بنشست، چنان که رسم ملوک بود، و رسول را بار داد، پیش رسول با وزیر - بودر جمهر - گفتند: ای فلان همه چیز در عالم تو دانی؟
 بودر جمهر گفت: «نه، ای خدایگان!»
 خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟ بودر جمهر گفت: همه چیز را همگان داندند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.
پاسخ: نثر دوره غزنوی و سلجوقی است. **ویژگی‌ها:** افزایش کاربرد واژگان عربی (رسول، ملوک، خجل، طیره) و کاربرد واژگان کهنه، مانند «اندر» و «خدایگان» جابه‌جایی اجزای جمله (رسولی آمد از روم) آوردن «ه» در آغاز فعل (بنشست).

زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم

درس هشتم

صفحه ۵۸ کتاب درسی



۱- تحول اساسی شعر این دوره، در چه زمینه‌هایی صورت گرفت؟
پاسخ: مهم‌ترین تحول در قالب غزل صورت گرفت. تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند سبب شد در قرن هفتم شاعران بزرگی ظهور کنند و غزل فارسی را به اوج برسانند و مقدمه ظهور سبک عراقی شوند. شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع، تنوع یافت و در شاخه‌هایی همچون مدح، هجو، طنز، وعظ و حکمت، داستان‌سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد.
 برخی شاعران از مدح شاهان و انتساب به دربارها پرهیز می‌کردند، مثل ناصر خسرو و سنایی. تحول روحی سنایی، سبب آغاز دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید و شاعران بسیاری به پیروی از او، به تصوف و عرفان روی آوردند. حکمت، دانش و اندیشه‌های دینی نیز در شعر این دوره، تأثیر عمیقی داشت.

۲- ویژگی‌های شعر دوره اول و دوم را با هم مقایسه کنید.

۱۱- سادگی فکر و روانی کلام

۱۲- توجه به واقعیت‌های بیرونی (مفاهیم یعنی آنان تنها تعالیم کلی انسانی چون تشبیهات گوناگون و انواع توصیف کاربرد نو کلمات تازه، استعاره‌های دلپذیر، تشبیهات گوناگون و انواع توصیف)

پاسخ ویژگی‌های دوره اول

۱۱- تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر دوره سامانی و غزنوی است یعنی سخن شاعرانی چون ناسرخسرو پندآور اشعار قرن چهارم است.

۱۲- گروهی از شاعران این دوره، در عین تقلید از پیشینیان نوآوری‌هایی دارند که باعث دگرگونی و تحول در سبک سخن فارسی شد.

۱۳- تأثیرپذیری از ادبیات عرب و مضامین شعری آن

ویژگی‌های دوره دوم

۲- ۷۵۰ میل گرایش نویسندگان به فارسی‌نویسی در این دوره چیست؟

۱۱- گذرش عرفان و تصوف

۱۲- شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق، چنان که کمتر شده و فرمائی به زبان عربی نوشته می‌شد و به این ترتیب، مجموعه‌های مشهوری از متون نثر فارسی پدید آمد.

۲- نقشه جغرافیای فرهنگی ایران این دوره را ترسیم کنید و چهره‌های شاخص نویسندگان و شاعران آن را نشان دهید.

۱۱- پاسخ حوزه ادبی شمال غرب ایران ← آذربایجان ← نظامی و خاقانی

حوزه ادبی فارس و نواحی مرکزی (عراق عجم) ← اصفهان، همدان، ری ← جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی

سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی)

درس نهم



صفحه ۹۱ کتاب درسی

۱- با توجه به شعر، به پرسش‌های زیر، پاسخ دهید.

ابهلسی دید اشکری به چورا
گفت اشکر که اندرین به‌یکار
در گزوی ام مکن به عیب نگاه
نقشیم از مصلحت چنان آمد
هست شایسته گسر چست آمد چشم
هر چه او کرده، عیب او مکنید
دست عسل از سخن به لبرو شد
زشت و نیکو به لزد اهل خرد
بسه غسبایی سگرا مر او را دان
آن نگو تو که هر چه زو بینی

گفت نقشت همه کز است چرا؟
عیب نقاش می‌کنی، هوش دارا
تو ز من راه راست رفتن خواه
از گزوی، راستی کمان آمد
طاق ابرو برای جفتی چشم
باید و نیک، جز نکو مکنید
چشم، خورشیدبین ز ابرو شد
سخت نیک است از او نیاید بد
شب و شبگیر رو مر او را خوان
گرچه زشت، آن همه نکو بینی

(سبکی)

کدام دو ویژگی ادبی را بنویسید.

کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟

۱) **کج پاصح** (الف) قالب شعر مثنوی است. ۲) رواج داستان‌سرایی (به شیوه داستان و حکایت بیان شده است).
۳) توجه به آرایه‌های ادبی: **جناس ناقص حرکتی** (چرا و چرا). **نماد** (گزی و راستی، زشت و نیکو، نیک و بد).

۱) کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متن
۲) از میل رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی
۳) کاربرد ترکیب نو، مانند خورشیدبین

۲- کدام یک از ویژگی‌های نثر این دوره را، در متن زیر، می‌بینید؟

آورده‌اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گریه‌ای خانه داشت؛ و میدان آنجا بسیار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گریه در دام افتاد و همانند موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هر جانب برای احتیاط، چشم می‌انداخت و راه سره می‌کرد، ناگاه نظر بر گریه افتاد. چون گریه را بست دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده بود، سوی درخت التفاتی نبود بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر بر جای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پیش تر روم، گریه در راه است. با خود گفت: «در بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و یا این همه، دل از خود نشاید برد...»

کج پاصح وجود توصیف‌های فراوان (اطناب)؛ بهره‌گیری از نثر داستانی - تمثیلی، حذف فعل به قرینه (در زیر درخت، سوراخ موش [بود]؛ انواع آفت به من محیط [است] و راه مخوف [است])؛ استفاده از آرایه‌های ادبی
- استعاره - در بلاها / کنایه - دل از خود نشاید برد.

تارگانه تحلیل فصل ۲

۱- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو زبانی بررسی کنید.

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| بیاد یار مهربان آید همی | بوی جوی مولیان آید همی |
| زیر پایم پرنیان آید همی | ریگ آموی و درشتی راه او |
| خنگ ما را تا میان آید همی | آب جیحون از نشاط روی دوست |
| میر، زی تو شادمان آید همی | ای بخارا، شاد باش و دیر زی |

(رورکی)

| | |
|-----------------------------|---------------------------|
| که پیشاهنگ، بیرون شد ز منزل | آیا خیمگی، خیمه فروهیل |
| شتربانان همی بندند محمل | نیمره‌زن بزد، طبل نخستین |
| مه و خورشید را بیستم مقابل | لماز شام نزدیک است و امشب |
| فروشند آفتاب از کوه باپل | ولیکن ماه دارد قصد بالا |

(مثنوی غری)

کلمه پانسیخ الفبا سادگی زدن شعر. کسی لغات عربی و سیگله وجود برخی واژه‌های کهنه و مهجور است. لغات سید و سفید. در مصرع اول من مضارع است به معنی «زندگی کن» و در مصرع دوم به معنی «بیا» می‌آید. سادگی زدن شعر. وجود برخی واژه‌های کهنه و مهجور (خیمگی، لریه‌ل، لریه‌ل)

۲- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو ادبی بررسی کنید.

و بدلی که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید چنان که پیشتر علیه‌السلام فرمود: اول ما خلق الله تعالی القلم، و قلم را فرموده که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود پس هر چه نوشت آفرین و خواست بوش تا مستطیر، همه قلم بنوشت به امر حق عز و جل.

نوشته‌اند: روزی ای و حواله‌های با هم دوستی داشته‌اند و چون به هم نشستند می‌گفتند که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرده دعوی کرامت می‌کند یا تا هر دو به نزدیک وی می‌رویم اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست بداییم که او بر حق است و آنچه می‌کند بر اصل است. هر دو مستکبروار به نزدیک شیخ ما می‌آمدند چون چشم شیخ بر ایشان افتاد گفت همه قلندک سر، دو سره پیشمورند. زان یکی روزی و دیگر جمله

پس اشارت به روزی کرد و گفت: «این تدویر، مگر قبای ملوک»

آنگه اشاره به حواله کرد و گفت: «چون نیاند، مگر شایم میانه»

ایشان هر دو خجل گشتند و غریبی شیخ افتادند و از آن انکار توبه کردند.

ملک گفت: «آوردند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک‌ساز و بی‌داریخت بسیار حقیق زندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشهور و خدمات مقبول و مبرور بر جرایت روزگار ثبت کرده»

روزی خواجه گفت غلام را! این غلام اگر این بار دیگر سفر دریا بر آوزی و با آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه وافر نهم که کفاف آن را پیرایه عفاف خود سازی و همه عمر پشت به دیوار فراتت باز دهی. غلام این پختگی از خواجه شنید به روی تکیل و تکمل پیش آمد و بر کار قبیل نمود. بار در کشتی نهاد و خید در نشست. روزی دو سه بر روی دریا می‌رفتند ناگاه بانهای مخالف از هر جانب بر آمدند. سفید را در گردانید و باز آبگینه املتی خرد شکست. کشتی و هرج درو بود. جمل به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ پشت بخت رسید. دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد که درو نخلستان بسیار بود یک چندی در آن جایگاه از آنچه مقصور بود، قوتی می‌خورد.

کلمه پانسیخ استفاده از آرایه‌های تلمیح، تضمین، تکرار و تشخیص. مراعات نظیر (درزی، تیزه‌د، قیامه، کایه) کایه (جمله) سید کایه از بدختی، تشبیه (غرقاب فنا آبگینه امل) استعاره (دیوار فراتت) استفاده از کلمات هموزن (مشکور مقبول، مبرور).

۲- نمونه‌های زیر را از نظر ویژگی‌های قلمرو فکری بررسی کنید.

بسه شهری رسیدند خرم‌ه‌گسر
ز بیرونش تخت‌های پسر نگار
نهاده در ایوانش تختی ز عجاج
درختی گشمن رفته در پیش تخت
پسر آرایش و زیب و خوبی و قدر
پسر نوسی کوران نمرده گوهر به کار
بتی عز وی از روز با طوق و تاج
که دانی پسر از هفت سال آن مرغ

Chinio

رشته علوم انسانی ۵۳۹

ز لیسار و تسریح و پسه دلقی سب
که هر سال بارش دو بار آمدی
بندی چهار آن ست سرو سیر، نگار
چو خورده از آن میوه گشتی درست

گوشی نوری

چون کند اندر او همی پرواز
راه گم کرده گمان از هیبت باز

گوشی نوری

کز اهل سماوات به گوش تو رسد صوت
سو زنده بمانی و بپردد مشکافوت

نوری

در پاسخ (الف) شعر واقع گراست و توصیفات آن، طبیعی، ساده و عینی است و سادگی فکر و مقایسه در آن
کاملاً مشهود است. (ب) سروده‌های واقع گراست و توصیفات آن ساده، محسوس و عینی است (تشبیه برف به
کیوتون سپید که از ترس باز، راهشان را گم کرده‌اند)، سادگی فکر و کلام (بیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و
لفظی ندارد) (پ) سروده‌های طنزآمیز است و توصیفات آن عینی، ساده و طبیعی است.

فصل ۳

موسیقی شعر

سازمها و عوامل تأثیر گذار شعر فارسی

دری مهم



نودارزیایی

مجموعه ۷۰ کتاب درسی

۱- نمونه‌های زیر را بخوانید، آنها را از دید آهنگ و موسیقی (وزن) با هم مقایسه کنید و تفاوت آنها را بیان کنید

یاد یار مهربان آید همی
زیر پایم بر نیان آید همی

(نوروزی)

بوی جوی مولیان آید همی
ریگ آموی و در شستی راه او

وان دل که با خود داشتم یا دلستایم می‌رود

(سهری)

ای ساریان آهسته ران کارام جانم می‌رود

کجا داند حال ما سیکباران ساحل‌ها

(دائود)

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

جهان جهان را به بد نسپریم

(مهرزوی)

یساتا همه دست نیکی بریم

وی شور تو در سرها، وی سر تو در جانها
کوته نظری باشد، رفتن به گلستانها
چون عشق حرم باشد، سهل است بهانها
می گویم و بعد از من، گویند به دورانها

ای مهر تو در دلها، وی شهر تو بر لبها
تا عار غم عشقت، آویخته در دامن
گر در طلبت رجسی، ما را برسد شاید
گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقتش

(سعدی)

آهنگ و موسیقی سروده نخست از رودکی، حسن شور و اشتیاق و حرکت و پویایی را القا می کند. وزن شعر دوم از سعدی، به گونه ای انتخاب شده که حالت غم و اندوه و حسرت شاعر به خواننده منتقل شود. وزن آهنگ بیت سوم از حافظ، فضایی نگران کننده و یأس آلود ایجاد کرده و در بیت چهارم از فردوسی، وزن کوتاه و تند فضایی حماسی خلق نموده است. در نهایت، وزن و موسیقی ابیات بخش پایانی از سعدی، حالت شادی و شور و نشاط را بر این سروده حاکم کرده است.

۲- نمونه های زیر را بخوانید و درباره تفاوت عواطف و حسن و حال حاکم بر فضای شعر، گفت و گو کنید.

از بر یار آمده ای شرحها
مرغ سلیمان چه خبر از سها
یا سخنی می رود اندر رها

ای نفس غم بر باد صبا
قافله شب چه شنیدی ز صبح
بر سر چشم است هنوز آن حریف

(سعدی غزل)

خون گشت، قلب لعل و دل سنگ خاره هم
تنها همین نه مریم و هاجر، که ساره هم
تنها نه راه مهلت او، راه چاره هم
از کودکان آل نبی، شیرخواره هم
تاراج برده اند ز کین، گاهواره هم
تنها نه نقش ماه، که نقش ستاره هم
بر روی او پیاده گذشت و سواره هم
بر قلب من نشست، ز مرهم، هزار هم

زین دره خون گریست سپهر و ستاره هم
بر سر زدند از آلم زاده بتول
بستند راه مهلت او از چهار سو
کردند قتل عام به نوعی که شد قتل
بر قتل شیرخواره نکردند اکتفا
بر خور نشست از اثر نعل میخ کوب
آن بیکر شریف چو بر روی خاک ماند
زین نظم، شد گشوده به رویم در آلم

(فردوسی)

کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا
باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا
غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا
عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا
عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا

معشوقه به سامان شد، تا باد چنین بادا
ملکی که بریشان شد، از شومی شیطان شد
یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش
عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد

(مولوی)

رشته علوم انسانی ۵۴۱

خبر دل شکفتنم، هوس است
از رفیقان نهفتنم هوس است
که سحرگه شکفتنم هوس است

(سابق)

چند نالی تو چو دیوانه ز دیو ناپدید
دیگران را خیره خیره دل چرا باید خلید؟
کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید
خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید

(سابق)

چو آشفته بازار بازارگانی
به بدنامی خویش همداستی
سراسر فریبی، سراسر زبانی
همانی هماتی هماتی هماتی

(سابق)

صال دل با تو گفتنم، هوس است
شع عام بین که قضا فاش
ای سید امشبم سدد فرمای

دو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد
چون نخواهی کت ز دیگر کس جگر خسته شود
برترین از کارها پاکیزگی و خوی نیک
یکجو گفته است یزدان، مر رسول خویش را

جهاد چه بد مهر و بد خو جهانی
به درد کان صابری اندرو تو
به هر کار کردم تو را آزمایش
و گر آزمایست صد بار دیگر

پاسخ در شعر «صدی» حالت شور و نشاط در شعر «فضایی» غم و اندوه و سوگواری، در سروده «مولوی» ضعیف شوکت، بی تحرک و شاد در شعر «حافظ» حسن و حالی گرم و صمیمانه و خودمتمی، در سروده «ناصر خسرو» اثر تیزگفته تعلیمی و جدی و در گفته «منوچهری» فضایی یاس آلود، همراه با حیرت و سرزنش و ناراضی، حیوان است.

معمانی بارهای کلام

۵۵ بار هم

صفحه ۷۷ کتاب درسی

نودارزیایی



۱- صامت‌ها و مصوت‌های مصرع اول بیت نخست را مشخص نمایید.

همه کس شناسند و هر جا روند

نه انصاف باشد که بی ما روند

(سعدی)

نشاید که خوبان به صحرا روند

حلال است رفتن به صحرا، ولیک

پاسخ

ن نشاید که خوبان به صحرا روند / حلال است رفتن به صحرا، ولیک

۲- هر بیت را به هجاهای تشکیل دهنده آن تجزیه کنید، سپس هر هجا را با علامت خاص آن بنویسید.
 چه نازی به نام و چه نازی به گنج
 شاهان در حالت و شوریدگان در غای و هوی
 مطربان گویی در آوازند و مستان در سماع

نکته پاسخ

| | | | | | | | | | |
|---|---|-----|----|----|----|-----|----|---|-----|
| خ | ی | نست | گی | ها | تا | زیر | در | ذ | رنج |
| - | - | U | - | - | U | - | - | U | - |

| | | | | | | | | | | |
|---|----|----|---|----|---|---|----|----|---|-----|
| چ | نا | زی | ب | نا | م | چ | نا | زی | ب | گنج |
| - | - | U | - | U | U | - | - | U | - | U |

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|---|-----|----|----|---|----|----|----|---|---|----|----|---|-----|
| مط | ر | بان | گو | یی | ذ | را | وا | زن | ذ | س | ان | در | س | ماع |
| - | - | U | - | - | U | - | - | U | - | - | - | U | - | - |

| | | | | | | | | | | | | |
|----|---|-----|----|-----|---|------|---|-----|----|----|---|-----|
| شا | و | خان | در | حال | ت | شوری | د | گان | در | ها | ی | هوی |
| - | - | U | - | U | U | - | - | U | - | - | U | - |

۳- در بیت زیر، چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تارنج تحفل نکنی، گنج نبینی تا شب نرود. صبح بدینار نماند

نکته پاسخ

| | | | | | | | | | | | |
|----|-----|---|----|-----|---|---|----|-----|---|----|----|
| تا | رنج | ت | حم | مَل | ن | ک | نی | گنج | ن | بی | نی |
| - | - | U | - | - | U | U | - | U | U | - | - |

| | | | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|---|----|------|----|----|----|---|---|---|----|-----|
| تا | ش | ن | ز | ود | صَیح | بَ | دی | دا | ر | ر | ن | گر | دَد |
| - | - | U | U | - | - | U | U | - | - | U | U | - | - |

هشت هجای کوتاه

۴- برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هر یک از واجهای زیر، نمونه‌هایی بنویسید.

صامت: «و»

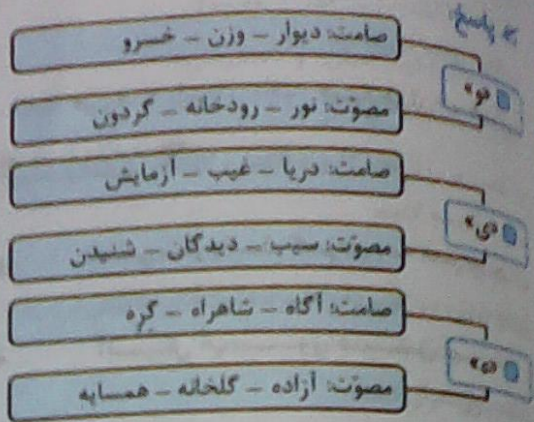
مصوت:

صامت: «ی»

مصوت:

صامت: «ه»

مصوت:



علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار (U) تکرار شده است؟
 ابا آنها الساقی ادر کاساً و ناولها
 که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکلها
 خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی
 ای ز چشمه نوشت، چشم دل چراغانی
 من از اینجا به ملامت لروم
 که من اینجا به امید گرم

| | | | | | | | | | | | | | | |
|---|----|----|-----|---|----|------|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ا | لا | یا | ای | ی | هس | ساقی | ا | در | کا | سن | و | نا | ول | ها |
| - | - | - | - | U | - | - | U | - | - | - | U | - | - | - |
| ک | عش | قا | سان | ن | مو | دو | ول | و | لی | اف | نا | دش | کل | ها |
| - | - | - | - | U | - | - | - | U | - | - | - | U | - | - |

قافیه

واژه‌های

صفحه ۸۳ کتاب درسی

فردا زبانی

۱- با توجه به بیت زیر، الگوی هجایی حروف قافیه را بنویسید.
 در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم؟
 که شکوه‌های دارم ز دل، با یار صاحب دل کنم

پاسخ: «- ل» (مصوت + صامت)

۲- واژه‌های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.

دست به کاری زخم که غصه سر آید
 بر سر آنم که گر ز دست بر آید

عالم پیر، دگر باره جوان خواهد شد
 نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد

تو هر خود را هودا کنی، کمال این است و ای
خودش را تو خودش پیدا کنی، کمال این است و ای

اینها هم قافیه است

که پیشوا • وز زلفش خنده هر • و سرش سرور قافیه هر • و از زلفش قافیه «مشک‌فشان» و «جوان»
هر روز قافیه هر • و از زلفش قافیه «مویز» و «بیدار» قافیه «ای»

۴. نوع قاعده قافیه را در هر بیت، مشخص کنید.

• کسی یارم گذر کردن به هر سو
• کسی از دست کمال‌گذاران آبرو

نوع

• آب آتش فرورز • عشق آمد
• آتش آب سوز • عشق آمد

نوع

• کسی رفعتی ز دل گنه اعلیا کنیم تو را؟
• کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

نوع

که پاسخ • قاعده «۶» • قاعده «۲» • قاعده «۱»

۵. در کدام بیت، هر دو بیت «وجود ندارد؟» دلیل خود را بنویسید.

• روز وصل دوستداران، یسار باد
• یسار باد آن روزگاران یسار باد

نوع

• گلاب است گویی به جویش روان
• همی شاد گردد ز بویش روان

نوع

که پاسخ در بیت دوم، زیرا واژه «روان» در هر مصراع، معنای متفاوتی دارد.

۶- هر یک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید: «قافیه درونی، ذوقافیتین»

• ای از مکارم تو شده در جهان خیر
• افکنده از سیاست تو، آسمان سیر

نوع

• گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی
• هم درد و داغ عالمی، چون پانهی اترجفا

نوع

• یار مراد غار مرا، عشق جگر خوار مرا
• یار تویی، غار تویی، خواجه نگه‌دار مرا

نوع

که پاسخ • ذوقافیتین • قافیه درونی • قافیه درونی

۷- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

• نشود فانی کسی آنچه میان من و توست

تا اشارات نظر، نامه‌رسان من و توست

نوع

۸- ردیف کدام است؟

• واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

• حروف و قاعده قافیه را بنویسید.

پاسخ الف) «من و توست».

ب) و زبانی قافیه «میان» و «تامه‌رسان».

پ) حرف قافیه «ان». قاعده قافیه «۲».

۲- شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها با شعر «مهر و وفا» (در کتاب فارسی ۱) سروده حافظ، مقایسه کنید.
عاشقم بهار را

دشمن ستاره در کویر را رهشورد دشت‌های عاشقی!

بَرز باد سبیده باد جام تو

آن که چون غزال تشنه،

آب تازه می خورد

مزرع دلم ز جاری کلام تو

بر عیار کام تو

چاره فسونگران و رهزنان

در خفاق مرغ، رخ نهفتن است

من که تشنه‌ام ز لالی از سبیده را

من که جست و جو گرم

سردهای ناشنیده را.

شعر من که عاشقم

صیغه از تو گفتن است

آن که در بهار سبز نام تو

رسالت گل محمدی

شکفتن است!

(مهر و وفا صحنه صمیمی)

پاسخ در شعر «مهر و وفا» ترتیب و تعداد هجاها در همه مصراع‌ها، یکسان است به عبارت دیگر، همه مصراع‌ها هم وزن‌اند. جایگاه قافیه نیز در شعر «مهر و وفا»، مشخص و منظم است. اما تعداد هجاها در اغلب مصراع‌های شعر «عاشقم بهار را» یکسان نیست.
عبارت دیگر، کوتاه و بلندی مصراع‌ها مساوی نیست. ضمن آن که جایگاه قافیه‌ها، نظم مشخصی ندارد.

وزن شعر فارسی

نیم سیزدهم

صفحه ۹۰ کتاب درسی

نودارباب

۱- نام و نام خانوادگی خود را با خط عروضی بنویسید.

پاسخ به عهده دانش آموز

توجه دایمی زبان مرغان را

۲- هجاهای بیت زیر را مشخص کنید.
چون ندیدی دمی سلیمان را

که پاسخ: چن ن دی دی د می س ی ی مان را
ت چ دای ز با ن مرغان را

۳- واژه‌های زیر را با خط عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه‌ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.
راهی، لانه، خوبستن‌شناسی، محبت، دلنوازان، لیکو، خواهش، رهرو، بزرگراه، بنفشه، ملاکت، التماس، سفینه، چون، پشوانه، مجموعه، روزنه، خواستن، مؤذن، کاشته، راهوار.

که پاسخ: راهی، لانه، خبش تن شناسی، م حببت، دل ن و ا زان، خا هس، زه زو، ت زرگ راه، ب افش، م لالت، ال ت ماس، خد س فی ن، چن، پشت و ان، ص موع، زو زن، خاس تن، م ن د ن، کاش ت، راه وار.

۴- واژه‌های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی بنویسید.
سرآمد، دل‌انگیز، جنگ‌آور، شب‌آهنگ، شیرافکن، دارآباد.

که پاسخ: سر را مد، سر آمد، دل ان گیز، جن گا ور، جنگ آور، ش با هگ، شب آهنگ، ش ی ر ی کن، شیر اف کن، دار ا باد، دار آ باد.

۵- ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید. سپس مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

• صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
که سر به کوه بیابان ت دادای ما را

که پاسخ: صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را

که سر به کوه بیابان ت دادای ما را

| | | | | | | | | | | | | |
|---|----|---|-----|---|----|----|---|----|---|----|----|----|
| ض | با | ب | لطف | ب | گو | آن | غ | زا | ل | زع | نا | را |
| - | - | - | U | U | - | - | - | U | U | - | - | - |
| ک | س | ر | ب | ه | ک | و | ه | ا | ب | ا | ن | ا |

• بشنوازی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند

که پاسخ: بشن آزی بی چن حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

| | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|----|----|----|---|----|----|----|---|-----|
| بش | ن | آ | زی | بی | چن | ح | کا | یت | می | ک | کند |
| - | - | - | - | - | U | - | - | - | - | U | - |
| ا | ز | ا | ب | ی | ه | ا | ش | ک | ا | ی | ت |

رشته علوم انسانی ۵۴۷
شواهی خیالی چیستی؟ اشکی بگو امی بگو

با من بگو تا کیستی؟ مهربی بگو، ماهی بگو

با من بگو تا کیستی؟ مهربی بگو، ماهی بگو
خایی، خیالی، چیستی؟ اشکی بگو، امی بگو

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|---|----|----|-------|----|----|----|---|----|----|----|---|----|
| با | من | پ | گو | تا | کیستی | نی | یه | ری | پ | گو | ما | هی | پ | گو |
| - | - | U | - | - | U | - | - | - | U | - | - | - | - | U |
| خا | یی | خ | یا | لی | چیس | نی | اش | کی | پ | گو | ا | هی | پ | گو |

دولت عشق بین که چون، از سر فخر و افتخار
گوشه تاج سلطنت، می شکند گدای تو

دولت عشق بین که چن از سر فخر افتخار
گوشی تاج سلطنت می شکند گدای ت

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|-----|-----|----|----|----|----|---|-----|----|----|---|-----|
| دو | ل | ت | عشق | بین | ک | چن | از | س | ر | فخر | ز | اف | ت | خار |
| - | U | - | U | - | U | - | - | U | U | - | U | - | U | - |
| گو | ش | ی | تا | ج | سل | ط | لت | می | ش | ک | ند | ج | ی | ت |

در تقطیع هجایی هر بیت زیر، چند هجای کشیده دیده می شود؟

هر که تاقل نکند در جواب بیشتر آید سخن ناصواب
چند پرسی ز من چیستم من؟ نیستم نیستم نیستم من

| | | | | | | | | | | | | |
|-----|---|----|---|---|---|---|---|---|---|----|---|---|
| هر | ک | ت | ا | م | ل | ن | ک | ن | د | ر | خ | و |
| بیش | ت | را | ی | ن | د | س | خ | ن | ش | نا | ع | و |

ب هجای کشیده

| | | | | | | | | | | | | |
|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|----|
| چند | پ | ر | س | ی | ز | م | ن | چ | ی | ل | م | ن |
| نیست | تم | نیست | تم | نیست | تم | نیست | تم | نیست | تم | نیست | تم | من |

ب هجای کشیده

کارگاه تحلیل فصل ۳

۱- نمونه های زیر را از دید حسن و حال فضای شعری و عاطفی دسته بندی کنید.

- ای آن که غمگینی و سزاواری / رفت آن که رفت و آمد آن که آمد
- ولدر لهان، سرشک همی باری / بود آن که بود خیره چه غم داری؟
- بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
- فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
- این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست / دل زنده می شود به امید وفای یار
- تا جان و جامه بذل کنیم بر پیام دوست / جان رقص می کند به سماع کمال دوست

جامی است که عقل آفرین می‌زندش
این گوزه گر دهر چنین جام لطیف
سند بوسه ز مهر بر چسب می‌زندش
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش
خروشید گسای فرخ اسفندبار
همساوردت آمد بر آرای گسار

(سعدی)

وقت را غنیمت دان، آن قدر که بسوایی
حاصل از حیات ای جان، یک دم است نادانی

(سعدی)

- پاسخ (رودکی) ← جذی و خشک و غم‌انگیز
(حافظ) ← شاد و سرزنده و شورانگیز
(سعدی) ← آرام و لطیف و شاد
(خیام) ← اندرزگونه، آگاهی‌بخش و جذی
(فردوسی) ← کوبنده، تند و حماسی
(حافظ) ← اندرزگونه، آگاهی‌دهنده و جذی

۲- نمونه‌های زیر را بخوانید و اشعاری را که وزن و آهنگ مشترک دارند، در یک گروه قرار دهید.
فلک جز عشق، محرابی ندارد جهان بی خاک عشق، آبی ندارد

(صبر و شکیبایی)

یاد آیمی که در گلشن فغانی داشتم
در میان لاله و گل آشیایی داشتم

(از من صبری)

همی گویم و گفته‌ام بارها
بود کیش من مهر دلدارها

(عاشق خواجه)

آن کیست کز روی کرم، با من وفاداری کند؟
بر جای بدکاری چو من، یک دم نکوکاری کند (ناتق)

ای ساریان آهسته ران، کارام جانم می‌رود
وان دل که با خود داشتم، با دلستانم می‌رود (سوری)

نخستین باده کاندلر جام کردند
ز چشم مست ساقی وام کردند (عراقی)

دوستان گویند: سعدی، خیمه بر گلزار زن
من گلی را دوست می‌دارم که در گلزار نیست (سعدی)

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟ (ناتق)

کی شکیبایی توان کردن چو عقل از دست رفت؟
عاقلی باید که پای اندر شکیبایی کشد (ناتق)

Chino

اگر آینه‌رویی در نظر می‌داشتیم صائب
 به نام خداوند جان و خرد
 روان شد اشک یاقوتی ز راه دیدگان اینک
 یکی تشنه می‌گفت و جان می‌سپرد
 به طوطی می‌چشاندیم شیوه شیرین‌مقالی را
 گزین برآسر اندیشه برنگ‌گذرد
 ز عشق بی‌نشان آمد نشان بی‌نشان اینک
 خشک لبک‌بغسی که در آب مُرد

فلک جز عشق محرابی ندارد
 نخستین باده کاندلر جام کردید
 شب تازیک و بیم موج و گردابی چنین هایل
 اگر آینه‌رویی در نظر می‌داشتیم صائب
 روان شد اشک یاقوتی ز راه دیدگان اینک
 یاد آتشی که در گلشن فغانی داشتیم
 کی شکیلی نولن کردن چو عقل از دست رفت؟
 دوستان گویند سعدی، خیمه بر گلزار زن
 همی گویم و گفته‌ام بازها
 به نام خداوند جان و خرد
 یکی تشنه می‌گفت و جان می‌سپرد
 آن کیت کز روی کرم، با من وفاداری کند؟
 ای سربازان، آهسته ران، کارام جانم می‌رود

۲- الگوی هجایی حروف قافیه را در ابیات زیر بنویسید.
 برسیدم از هلال، که قدت چرا خم است؟
 گفتا خمیدن قدم از یار ماتم است
 سی تیر و دی ماه و اردیبهشت
 برآید که ما خاک باشیم و خشت
 بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین‌نفس
 ور پای بندی هم‌جو من، فریاد می‌خوان از قفس
 صد شکر گویم هر زمان، هم‌چنگ را هم‌جام را
 کاین هر دو بردند از میان، هم‌ننگ را هم‌نام را

- ک پاسخ
- «ر م» (مصوت + صامت).
 - «ر ش ت» (مصوت + صامت + صامت).
 - «ر س» (مصوت + صامت).
 - «م» (مصوت + صامت).

۴- تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید.

- کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟
- آینه از نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکن خطاست
- اگر کاری کنی، مزدی ستانی چو بیکاری، یقین بی‌مزد مانی
- بر سر آنم که گرز دست برآید دست به کاری زلم که غمته برآید

کلمه پاسخ:

| | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|---|-----|---|---|----|----|---|----|---|----|
| کی | رف | ت | ای | ز | دل | ک | ت | من | نا | ک | تم | ت | را |
| - | - | U | - | U | - | U | U | - | U | - | U | - | U |
| کی | بو | ده | ای | ن | هفت | ت | ک | بی | دا | ک | تم | ت | را |

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|----|----|----|---|----|----|---|----|------|
| ا | ی | ن | ار | تق | ش | ت | بن | مو | د | را | ست |
| - | U | U | - | - | U | U | - | - | U | - | - |
| خ | د | ش | ک | نا | بی | ن | ش | کس | ش | خ | طاست |

| | | | | | | | | | | | |
|---|----|---|---|----|---|-----|----|-----|---|----|------|
| ا | م | ک | ا | ری | ک | نی | م | زدی | س | تا | نی |
| - | - | - | - | U | - | - | - | U | - | - | - |
| چ | بی | ک | ا | ری | ی | قین | بی | م | ز | د | مانی |

| | | | | | | | | | | | | |
|-----|---|---|---|----|---|----|---|----|-----|---|----|----|
| بر | ش | ر | ا | تم | ک | م | ر | ز | دست | ت | را | ید |
| - | U | U | - | - | U | - | U | - | U | - | - | - |
| دست | پ | ک | ا | ری | ز | تم | ک | عص | ص | ش | را | ید |

۵- با توجه به علامت هجاها، کدام واژه‌ها با حذف همزه، تلفظ شده‌اند؟

- بادآورده: U---
- دانش‌آموز: U----
- پیام‌آور: ---U
- کارآموده: U-U--
- پلنگ‌افکن: پلنگ افکن U--U
- گل‌اندام: گل اندام U---
- خوش‌اندام: خوش اندام U--U

کلمه پاسخ: بادآورده (با دا و ر د)، دانش‌آموز (دان شا موز)، پیام‌آور (پ یا ما و ر ه کتو ارسوت و کار از خود)، پلنگ‌افکن (پ ل ن گ ف ک ن)، گل‌اندام (گ ل ن دام)، خوش‌اندام (خ ش ن دام).



۱- در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج آرایی را بیابید.

• ستون کرد چپ را و خم کرد راست

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «خ»، «ج»، «س»

• سرو را بین بر سماع بلبان صبح خیز

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «س»، «ن»

• گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ار نه

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «ا»، «ن»

• مه روی تو، شب موی تو، گل بوی تو دارد

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «و»، «ب»، «ت»

• سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «ب»، «س»، «ر»

• آن روز که لاله از پی لاله شکفت

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «ل»، «ش»، «ا»

• ای تکیه گاه و پناه / زیباترین لحظه‌های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من

ای شط شیرین پر شوکت من

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «ش»، «ب»

• حبیب خدای جهان آفرین

که پاسخ: واج آرایی واج‌های «ن»، «ب»

۲- در اشعار زیر، آرایه تکرار (واژه آرایی) را بیابید.

• عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست

که پاسخ: تکرار واژه‌های «امروز، فردا»

• در دل، چگونه یاد تو می‌میره؟

که پاسخ: تکرار واژه «یاد»

خروش از خم چرخ سپاهی بغاست

همچو سرستان به پستان یار کوب و بستارن

ای بسا باغ و بهاران که خزان من و نوست

گلزار جهان خرمی از روی تو بهره

که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت پوست

بر گونه شوق، زخم صدساله شکفت

نگه کرده بر روی سر زلف دین

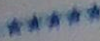
من که یک امروز مهمان توام، فردا چرا؟

یاد تو، یاد عشق نخستین است

- زمانه قرعه نو می‌زند به نام شما
که پاسخ: تکرار واژه «شما»
 گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم
- خوشا شما که جهان می‌رود به کام شما
که پاسخ: تکرار واژه‌های «گرفتار» و «خوار»
 گل از خوارم برآوردی و خسار از پای و پای از گل
 گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین دل
- تکرار واژه‌های «از»، «خار» و «پا»
که پاسخ: تکرار واژه‌های «چوبین» و «پا»
 بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار
 پای استدلایان چوبین بود
- تکرار واژه‌های «چوبین» و «پا»
که پاسخ: تکرار واژه‌های «نام» و «تنگ»
 روز فراق را گه نهد در شمار عمر؟
 وز نام چه پرسی؟ که مرا ننگ ز نام است
- تکرار واژه‌های «بشیمانی»
که پاسخ: تکرار واژه‌های «موی» و «سر»
 پای چوبین سخت بی‌تمکین بود
 که بدعهد از بشیمانی، پشیمان زود می‌گردد
- تکرار واژه‌های «موی» و «سر»
که پاسخ: تکرار واژه‌های «درد»، «درمان» و «است»
 تنها سر مویی ز سر موی تو دورم
 درد عشق است آنکه درمانیش نیست

۲- غزلی از دیوان حافظ بیابید که نمونه مناسبی برای کاربرد واج آرایی و واژه آرایی باشد: سپس مشخص کنید کدام واج‌ها و واژه‌ها در ایجاد این آرایه‌ها، مؤثر هستند.

- **که پاسخ:**
 گر ز دست زلف مشکیت خطایی رفت رفت
 برق عشق از حرمن بشمینه‌پوشی سوخت سوخت
 در طریقت رنجش خاطر نباشد می‌بیار
 عشق‌بازی را تحمل باید ای دل پای دار
 گر دلی از غمزه دلدار باری برد، برد
 از سخن چنان ملامت‌ها پدید آمد ولی
 عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه
 پای آزادی چه بندی؟ گر به جایی رفت رفت
- تکرار واژه «رفت» در تمام بیت‌ها، «سوخت» در بیت سوم و «برد» در بیت چهارم دیده می‌شود.



سپیده ۱۰۷ تقابلی در حدیث

۱- در اشعار و جمله‌های زیر، سجع را بیابید.

میزگان گفته‌اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.

«ای به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به بافت تو ناتوانیم»

«من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او، گویی که نیستی دور از او، در استخوانم می‌رود»

(سهری)

(لواحه عین‌الله)

(مفاتیح قلوب)

(سهری)

(رشید جوانمیر)

(سهری)

«ای از مکارم تو شده در جهان خیر»

افکنده از سیاست تو آسمان سیر

«گفت: ای موسی، دهانم دوختی»

وز پشیمانی تو جانم سوختی

که پاسخ: کوشیدن، جوشیدن (سجع متوازی)

زندگانیم، آبادانیم (سجع متوازی)، شادانیم، ناتوانیم (سجع مطرف)

نهفتنی، نهفتنی (سجع مطرف)، پیمودتی، نمودتی (سجع متوازی)

مهجور، رنجور، دور (سجع مطرف)

خیر، سیر (سجع متوازی)

دوختی، سوختی (سجع متوازی)

۲- عبارت زیر را می‌توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید.

پادشاهی او راست زبیده، خدایی او راست درخورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بی.

که پاسخ: بله؛ زیرا کلمات «زبیده» و «درخورنده» در پایان دو جمله آمدند و واج پایانی آنها یکی است. (سجع مطرف)

(آکنشانی سهری)

۳- در عبارت زیر، واژه‌های سجع کدام‌اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن»

که پاسخ: واژه‌های سجع «مردن»، «بردن»، «هم‌وزن هستند و واج‌های پایانی آنها یکسان است»

(آکنشانی سهری)

۴- واژه‌های و در عبارت زیر، سجع متوازی دارند. جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عاید که

روزه دارد و بنهد.

که پاسخ: بدهد و بنهد

(تذکره الاثر، عطار)

(سهری)

۵- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص نمایید.

«محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست»

«یک خلقت زیبا، به از هزار خلعت دیبا»

«بشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال»

- فلان را کرم بی شمار است و هنر بی حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.
- ظاهر درویشی، جامه زنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.
- ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فرآورد و دیگری را در شکم ماهی نگو دارد.

کج پاسخ: غایت، نهایت، سجع مطرف

زیبا، دنیا، سجع متوازی

خار، خال، سجع متوازن

بی شمار، بی حساب، سجع متوازن / متین، کریم، سجع متوازن

زنده، سترده، سجع مطرف / زنده، مرده، سجع مطرف

فرو آرد، دارد، سجع مطرف

۶- در متن زیر، سجع‌ها را بیابید، نوع هر یک را مشخص نمایید و درباره ارزش موسیقایی هر یک اظهار نظر کنید.
«صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد. دو چیز شحال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن بیش از وقت معلوم. به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر گجا هست. برسد هر کجا ب تادیب دنیا راه صواب نگیرد. به تعذیب عقبی گرفتار آید».

کج پاسخ: نگیرد، نرسد، سجع متوازی، ارزش موسیقایی آن از همه انواع سجع بیشتر است.

مقسوم، معلوم، سجع متوازی، ارزش موسیقایی آن از همه انواع سجع بیشتر است.

نرسد، برسد، سجع متوازی، ارزش موسیقایی آن از همه انواع سجع بیشتر است.

نگیرد، آید، سجع مطرف، ارزش موسیقایی آن از سجع متوازی کمتر است.

موازنه و ترصیع

درس شانزدهم



تعداد ریایی

صفحه ۱۱ کتاب درسی

۱- در کدام بیت‌ها، آرایه موازنه به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

• گر عزم جفا داری، سر در رخت اندازم / و راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم (سمری)

کج پاسخ: بیت آرایه موازنه دارد، زیرا واژگان روبه‌روی هم، سجع متوازن یا متوازی‌اند.

گر عزم جفا داری سر در رخت اندازم

و راه وفا گیری جان در قدمت ریزم

• ز گرز تو خورشید گریبان شود / ز تیغ تو بهرام بریان شود (فردوسی)

کج پاسخ: بیت آرایه موازنه دارد، زیرا واژگان روبه‌روی هم، سجع متوازی یا متوازی‌اند.

ز گرز تو خورشید گریبان شود

ز تیغ تو بهرام بریان شود



(مغزانی)

جفا پهل بود، بسر عاشق شکستی
جفا پهل بود بر عاشق شکستی
وفا گل بود بر دشمن فشاندی

(مغزانی)

همه شوری و نشاطی، همه عشقی و امیدی
همه سحری و فسونی، همه نازی و خرامی
تیر بلای او را جز دل هدف نباشد

(مغزانی)

تبع جفای او را جز جان سپر نباشد
در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز
این بیت موازنه ندارد.

(مغزانی)

پرواز به آنجا که نشاط است و امید است
پرواز به آنجا که سرود است و سرور است
نظر تا کنی عرض نقل است و می
نفس تا کنی حرف جنگ است و نی

(مغزانی)

نفس تا کنی عرض نقل است و می
نفس تا کنی حرف جنگ است و نی

(مغزانی)

۲- در کدام یک از ابیات، شاعر از آرایه ترصیع، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را بتوسید
عالم همه عابدند و معبود یکی است

(مغزانی)

چرا نندم؟ نهم دل بر خیالت

(مغزانی)

چرا ساقی نمی گوید درودی؟

(مغزانی)

چرا مطرب نمی خواند سرودی؟
راه وصل تو، راه پر آسب

(مغزانی)

ماز دریاییم و بالاییم
ماز دریاییم و دریاییم

(مغزانی)

دانه باشی مرغکانت برچنند
دانه باشی مرغکانت برچنند

(مغزانی)

دانه باشی مرغکانت برچنند
دانه باشی مرغکانت برچنند

(مغزانی)

دانه باشی مرغکانت برچنند
دانه باشی مرغکانت برچنند

بدان حجت که دل را زنده دارد / بدان آبت که جان را بنده دارد

خوشا چون سروها استخوانی سبز / خوشا چون برگها افتادنی سبز

پاسخ: بیت، آرایه ترصیع دارد زیرا واژگان روبهروی هم، سجع متوازی‌اند.

خوشا چون سروها استخوانی سبز

خوشا چون برگها افتادنی سبز

برند از برای دلی بارها / خورند از برای گلی خارها

پاسخ: بیت، آرایه ترصیع دارد زیرا واژگان روبهروی هم، سجع متوازی‌اند.

برند از برای دلی بارها

خورند از برای گلی خارها

۳- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع»، ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟

هم عقل دویده در رکابت / هم شرع خزیده در پناهت

ما برون را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را

پاسخ: بیت «ما برون را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را» ارزش موسیقایی بیشتری دارد زیرا

واژگان دو مصراع، سجع متوازی هستند.

۴- شاعر در ابیات زیر، برای بهره‌گیری از آرایه «سجع» چه شیوه‌ای را به کار گرفته است؟ توضیح دهید.

بهاری کز دور خارش، همی شمس و قمر خیزد / نگاری کز دو یاقوتش، همی شهد و شکر ریزد

روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی / ماه شب‌افروز تویی، ابر شکریار، بیا

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

پاسخ: در بیت «بهاری کز دور خارش همی شمس و قمر خیزد / نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد» با

بهره‌گیری از سجع‌های «متوازی و متوازن» آرایه زیبای موازنه خلق شده است و این موضوع بر موسیقی درونی

شعر افزوده است. در بیت «ما چو ناییم و نوا در ما ز توست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست» با بهره‌گیری از

سجع متوازی، آرایه ترصیع خلق شده است. در بیت «روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی / ماه شب‌افروز تویی

ابر شکریار بیا» شاعر با بهره‌گیری از «سجع مطرف» قافیه میانی بیت را خلق کرده است.

مناقص و انواع آن

درس هشتم



نوداد / بابا

صفحه ۱۱۷ کتاب درسی

۱- در بیت‌های زیر، انواع جناس را مشخص کنید.

در دل، عطش عشق خدایی ما راست / دیوانه وصلیم و جدایی ما راست

پاسخ: خدایی، خدایی جناس ناهمسان، اختلافی

شعر

- بهرام که گور می گرفتسی همه عمر
که پاسخ: گور (نام حیوان)، گور (قبور)، جناس تام
- بگفت از سوز کمتر گوی بسا سوز
که موران را قناعت خوش تر از سوز
که پاسخ: سوز، مور: جناس ناهمسان، اختلافی
- در دل ندمم ره پس از این مهر بتان را
که پاسخ: مهر، شهر: جناس ناهمسان، حرکتی
- زد به دلم در آتشی، عشق بتی که نام او
که پاسخ: زهره، زهره: جناس ناهمسان، حرکتی
- هر که گوید کلاغ چون باز است
که پاسخ: باز (نام پرنده)، باز (مقابل بسته)، جناس تام
- تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان
تا وجودم هست خواهد بود نقش در ضمیر
که پاسخ: روان (جان)، روان (جاری)، جناس تام
- غم خویش در زندگی خور که خویش
به سرده لبردارد از حرص خویش
که پاسخ: خویش (خود)، خویش (خویشاوند): جناس تام
- آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فرو ریخته در آب / شاخه‌ها دست بر آورده به مهتاب
که پاسخ: آرام، رام: جناس ناهمسان، افزایشی
- وه چه بیگانه گذشتی، نه کلامی نه سلامی
نه نگاهی نه تویدی، نه امیدی به پیامی
که پاسخ: کلامی، سلامی: جناس ناهمسان، اختلافی
- به ملک خم، مشو غره که این پیران رویین تن
به دستانت به دست آرد اگر خود پور دستای
که پاسخ: دستان (مکر و حيله)، دستان (لقب زال): جناس تام
- به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق
مزه بر هم نزنند، گر بزلی نیر و ستایش
که پاسخ: جفا، قفا: جناس ناهمسان، اختلافی
- مرا زمانه زیارم به منزلی انداخت
که راضی ام به نسیمی کز آن دیار آید
که پاسخ: یار، دیار: جناس ناهمسان، افزایشی
- ای دلیل دل گم گشته، خدا را مددی
که غریب از نبرد ره، به دلالت برود
که پاسخ: دلیل و دلالت: جناس هم‌ریشه (اشتقاق)
- ای بسا شاعر، که او در عمر خود، نظمی نساخت
وی بسا ناظم، که او در عمر خود، شعری نگفت
که پاسخ: نظم و ناظم: جناس هم‌ریشه (اشتقاق)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

(توضیح)

• گر تیغ برکشد که محبتان همی زلم اول کسی که لاف محبت زلد، منم

که پاسخ: محبتان، محبت، جناس هم‌ریشه (اشتقاق)

۲- برای هر یک از انواع جناس از کتاب فارسی خود، نمونه‌ای بنویسید.

که پاسخ: به عهده دانش‌آموز



کارگاه تحلیل فصل ۱۴

۱- ابیات زیر را بخوانید و آنها را تقطیع کنید.

• چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی

که پاسخ:

| | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| چ | ش | م | د | ل | ب | ا | ز | ک | ن | ک | ج | ا | ن | ب | ن | ی |
| - | - | U | - | - | U | - | - | U | - | - | - | - | - | - | - | - |
| ا | ن | چ | ن | ا | د | ی | ذ | ن | ی | س | ت | ا | ن | ب | ن | ی |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |

• ای مهر تو در دل‌ها وی شهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سرها وی سر تو در جان‌ها

که پاسخ:

| | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ا | ی | م | ه | ر | ت | و | ی | ش | ه | ر | ت | و | ی | ش | و | ی |
| - | - | U | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| و | ی | ش | و | ی | ش | و | ی | ش | و | ی | ش | و | ی | ش | و | ی |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |

• آمدی جاتم به قربانت ولی حالا چرا؟ بی وفا حالا که من افتادام از پا چرا؟

که پاسخ:

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ا | م | د | ی | ج | ا | ت | م | ب | ه | ق | ر | ب | ا | ن | ت | و | ل | ی | ح | ا | ل | ا | چ | ر | | |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | |
| ب | ی | و | ف | ا | ح | ا | ل | ا | چ | ر | ا | م | ن | ا | ف | ت | ا | د | ا | م | ا | ز | پ | ا | چ | ر |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |

• بی‌تاقدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمائیم

که پاسخ:

| | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ب | ی | ت | ا | ق | د | ر | ی | ک | د | ی | گ | ر | ب | د | ا | ن | م |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| ک | ب | ت | ا | ن | ا | گ | ه | ز | ی | ک | د | ی | گ | ر | ن | م | ا |
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |

۲- در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج‌آرایی و واژه‌آرایی را بیابید.

• گوشه گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست گوشه چشمت بلای گوشه‌نشین است

که پاسخ: تکرار واژه «گوشه» (۳ بار)

مشق

- ما چون ز دری پای کشیدیم، کشیدیم
دل نیست کیوتر که چو برخاست کشید
که پاسخ تکرار واژه‌های «کشیدیم» (۲ بار)، «بریدیم» (۲ بار)، «پوشیدیم» (۲ بار)
- در زلف تو بند بود داد دل ما
ای داد به داد دل ما کس نرسید
که پاسخ تکرار واژه‌های «بند، داد، دل، ما» (۲ بار)
- تکرار واژه‌های «داد» (۳ بار)، «دل ما» (۲ بار)
- نه من ز بی عملی در جهان معلوم و بس
که پاسخ تکرار واج «م» (۹ بار)، «ل» (۸ بار)
- اگر جنگ خواهی و خون ریختن
بگو تا سوار آورم زلفی
که پاسخ تکرار واج «ح» (۵ بار)، «ک» (۳ بار)، «ن» (۶ بار)
- ۲- در حملات زیر، انواع سجع را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.
• الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است.
که پاسخ چراغ، داغ، سجع مطرف
- طالب علم، عزیز است و طالب مال ذلیل
که پاسخ عزیز، ذلیل، سجع متوازن
- باران رحمت بی حساب همه را رسیده، و خوان نعمت بی درفش همه جا کشیده.
که پاسخ رسیده، کشیده، سجع متوازی
- این دلق موسی است مرفوع و آن ریش فرعون مرفوع
که پاسخ مرفوع، مرفوع، سجع متوازی
- در ایام طفولیت متعبد و شبخیز بودم و مولع زهد و برهیز
که پاسخ شبخیز، برهیز، سجع متوازی
- ۴- نوع سجع دو واژه زیر را بنویسید و به جای واژه دوم، واژه‌های بگفتارید که بالاترین ارزش موسیقایی را در میان سجع‌ها داشته باشد.
_____ نام _____ یاد

- که پاسخ «یاد، نام» سجع متوازن دارندند شد
- ۵- انواع جناس را در ابیات زیر مشخص کنید
«وقت است تا بری سفر یو باره بندیم
که پاسخ خار، خار» جناس تامسان افزایی
- دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم

(نوع سجع متوازی)

(نوع سجع مطرف)

(نوع سجع متوازن)

(سجع متوازی)

(سجع متوازی)

(سجع متوازی)

ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان پری

که پاسخ پری «فعل» پری «اسم» جناس همان (نام)

چو شد روز، رستم بپوشید گبر لگه‌بان تن کرد بر گبر پیر

که پاسخ گبر، پیر جناس ناهمسان اختلافی

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را

که پاسخ فارغ، فراغت اشتقاق (هم‌ریشه)

من که باشم در آن حرم که صبا پرده‌دار حریم حرمت اوست

که پاسخ حرم، حریم، حرمت اشتقاق (هم‌ریشه)

صبا خاک وجود ما، بدان عالی‌جناب انداز بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

که پاسخ نظر، منظر اشتقاق (هم‌ریشه)

من اول روز داستم که با شیرین درافتادم که چون فرهاد باید شست، دست از جان شیرینم

که پاسخ شیرین (اسم)، شیرین (صفت)، جناس همان (نام)